

دعوت مستقیم از اسرائیل و آمریکا به تشدید تنش

از ابراهیم والی

چسبیدن بی‌وقفه‌ی جمهوری اسلامی ایران به برنامه‌ی غنی‌سازی اورانیوم و تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌تواند پیامدهایی جدی و احتمالاً غیرقابل بازگشت برای ایران به همراه داشته باشد و همچنین فقدان شفافیت درباره سرنوشت مواد هسته‌ای قابل کاربرد در ساخت سلاح هسته‌ای، در شرایط فعلی ژئوپلیتیکی، نوعی فریب خطرناک است. اسرائیل و ایالات متحده بارها و صریح اعلام کرده‌اند که وجود یک ایران مسلح به سلاح هسته‌ای را نه تحمل خواهند کرد و نه خواهند پذیرفت.

اگر حاکمان تهران همچنان این هشدارها را با نادیده گرفتن ایدئولوژیک همراه سازند، در آینده‌ای نه‌چندان دور با تبعات عظیم جبران‌ناپذیری و قربانیان فراوان غیرنظامی روبه‌رو خواهیم شد نابودی هدفمند زیرساخت‌های صنعتی و انرژی،

و در نهایت، ایران با عقب‌گرد اقتصادی و اجتماعی عمیقی مواجه می‌شود — شاید ایران برای دهه‌ها به عقب بمباران شود گذشته از این، سیاست خارجی خصمانه و خط‌مشی اتمی بی‌تنازل، نه‌فقط اقتدار ملی، بلکه تمامیت سرزمینی کشوری را به خطر می‌اندازد که پیشتر به‌شدت تضعیف شده است. در مواجهه با برتری بی‌چون‌وچرای اسرائیل و ایالات متحده — در ابعاد فناوری، نیروی نظامی، قدرت اقتصادی و ظرفیت‌های اطلاعاتی — ادامه این مسیر نه تنها بی‌منطق، بلکه بی‌مسئولیتی مطلق است.

درایت سیاسی ایجاب می‌کند که جمهوری اسلامی ایران با رفع هرگونه ابهام نسبت به نیت هسته‌ای خود به‌گونه‌ای باورپذیر و شفاف، از وقوع مجدد نقض فاجعه‌بار حقوق بین‌الملل از سوی اسرائیل و ایالات متحده پیشگیری کند.

پیشنهاد بازگشت به میز مذاکره و مطالبات با وجود ضرورت فوری گذار مسالمت‌آمیز و خشونت‌پرهیز به نظامی دموکراتیک و سکولار مبتنی بر حقوق بشر جهانی، شایسته است که توصیه‌های زیر در دستور کار سیاسی تمامی گروه‌ها، سازمان‌ها، احزاب و افراد دلسوز و دل‌بسته به سرنوشت ایران قرار گیرد.

چنانچه حاکمان در تهران در پی محاسبات تاکتیکی نباشند — از جمله تلاش برای خرید زمان از طریق مذاکرات احتمالی به‌ویژه با ایالات متحده آمریکا، با هدف پیشبرد پنهانی برنامه غنی‌سازی اورانیوم — به‌نظر می‌رسد اتخاذ تصمیمات زیر برای جلوگیری از آسیب‌های بیشتر به ایران، حیاتی و سرنوشت‌ساز باشد.

پیشنهاد بازگشت به میز مذاکره، در ذات خود منطقی و موجه است — اما به‌تنهایی کافی نیست. این پیشنهاد همچنان مبهم غیرشفاف و بدون پشتوانه‌ای از پیش‌شرط‌های اساسی است که نشانه‌ای از تغییر واقعی در جهت‌گیری سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی باشد.

بازگشت به مذاکرات تنها زمانی معنا و اعتبار خواهد داشت که با مجموعه‌ای روشن از اقدامات و تصمیمات همراه شود، از جمله

• تغییر بنیادین در جهت‌گیری ژئوپلیتیکی و شکست‌خورده سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران

• رد صریح و عملی دکترین رسمی جمهوری اسلامی مبنی بر نابودی اسرائیل

• پایان کامل هرگونه حمایت مالی و نظامی از گروه‌های نیابتی وابسته به ایران در منطقه و جهان

• توقف کامل فعالیت‌های هسته‌ای و تحویل همه ذخایر اورانیوم غنی‌شده به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

صرف‌نظر صریح، معتبر و به‌طور شفاف قابل‌راستی‌آزمایی از هرگونه فعالیت مرتبط با توسعه یا ساخت سلاح‌های هسته‌ای

• به رسمیت شناختن حقوق بین‌المللی و قانونی اسرائیل به‌عنوان یک کشور مستقل

• اعلام تعهد صریح و عملی ایران به راحل تشکیل دو کشور در مناقشه اسرائیل-فلسطین.

در ازای این اقدامات، جامعه بین‌المللی باید تمامی تحریم‌های اقتصادی و مالی علیه ایران را لغو و دارایی‌ها و منابع مالی مسدودشده کشور را آزاد نماید. با نگاهی فراتر از شرایط فوری، شایسته است که در میان‌مدت، با میانجی‌گری سازمان ملل متحد، تلاش‌هایی برای دستیابی به یک قرارداد صلح و همچنین پیمان عدم تجاوز دوجانبه میان ایران و اسرائیل در دستور کار قرار گیرد.

تنها در این صورت است که می‌توان به آغاز یک فرآیند دیپلماتیک پایدار، تنش‌زدایی واقعی و شکل‌گیری مسیر جدیدی برای آینده ایران امیدوار بود.